دلیل سوم منکرین اعتبار رؤیت قبل از زوال:آیه «و لتکملوا العدة»

آیه دوم آیه قبلی است. این آیه صد و هشتاد و هفت است، آیه بعدی صد و هشتاد و پنج است. «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ ۚ فَمَن شَهِدَ مِنكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ ۖ وَمَن كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ ۚ»؛ روی کلمه «عدة» توجه کنید. «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ»؛ همینی است که الآن استدلال گفتهاند اگر قبل از زوال دیدی، قرآن میفرماید «و لتکملوا العدة»؛ شما باید عده سی روز را تمام کنید. پس باید سی ام را روزه بگیری تا کامل عده محقق شود.

شاگرد: از «لتکملوا العدة» تعدد مطلوب فهمیده میشود؟

استاد: حال سید جواب میدهند و میگویند یعنی «لتکملوا عدة شهر رمضان»؛ اگر گفتیم قبل از زوال دیدیم که این عده، عده شهر رمضان نیست. کسانی که قائل به عدد هستند خیلی به این آیه استدلال کردهاند. در روایات هم آمده است. «لتکملوا العدة شهر رمضان تام ابدا». چرا؟ «لتکملوا العدة»؛ باید سی روز باشد. در آن طرف اگر کل ماه بیست و نه روز باشد، «لتکملوا العدة». آن چیزی که میخواهم از مجمع بخوانم در دو قسمتش هست. یکی در الاعراب است، یکی در بخش معنا است. الآن این آیه شریفه در ذهنتان بیاید و ببینیم شما چطور معنا میکنید. «و لتکملوا العدة»، این واو عطف به کجا است؟ «وَمَن كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ ۚ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ».

شاگرد: علت دومش است. یک علتش این است که یسر باشد، علت دیگر این است که باید آن را کامل کنید. یکی علت یک چیزش است و دیگری علت چیز دیگر است. علت اینکه اجازه دادیم «یرید الله بکم الیسر» است. علت اینکه باید در ادامه دیگر بگیری «و لتکملوا العدة» است.

استاد: اگر عطف به «فلیصمه» باشد، واو خیلی مناسبت ندارد. میشود «فلیصمه و من کان» بعد میگوییم «و لتکملوا العدة». اینجا که واو نمیخواهیم. مرحوم طبرسی این احتمال را مطرح نکردهاند. فقط از نظر ادبی عطف به کجا شد؟ عطف جمله به جمله است؟ عطف موضع به موضع است؟ مفرد به مفرد است؟ باید به کجا عطف بگیریم؟ ایشان در مجمع به این صورت فرمودهاند:

> **وأما العطف باللام في قوله: (ولتكملوا العدة) ففيه وجهان أحدهما أنه عطف جملة على جملة، لأن بعده محذوفا، وتقديره ولتكملوا العدة شرع ذلك، أو أريد ذلك، ومثله قوله: (وكذلك نري إبراهيم ملكوت**

> **السماوات والأرض وليكون من الموقنين) أي: وليكون من الموقنين أريناه ذلك والثاني: أن يكون عطفا على تأويل محذوف، ودل عليه ما تقدم من الكلام، لأنه لما قال: (يريد الله بكم اليسر) دل على أنه قد فعل ذلك ليسهل عليكم، فجاز، (ولتكملوا العدة) عطفا عليه[1]**

«و أما العطف باللام في قوله: (ولتكملوا العدة) ففيه وجهان أحدهما أنه عطف جملة على جملة، لأن بعده محذوفا، وتقديره ولتكملوا العدة شرع ذلك»؛ «شرّع ذلک» یعنی «فعدة من ایام اخر». پس این عطف جمله به جمله است. جمله‌ای است ک خبر حذف شده و به این صورت بوده: «و لتكملوا العدة شرع ذلك».

«و الثاني: أن يكون عطفا على تأويل محذوف، ودل عليه ما تقدم من الكلام، لأنه لما قال: (يريد الله بكم اليسر) دل على أنه قد فعل ذلك ليسهل عليكم، فجاز، (ولتكملوا العدة) عطفا عليه»؛ یعنی «لیسهل علیکم و لتکملوا العدة»؛ یعنی برای اینکه تکمیل کند. از عبارت قبل «لیسهل» مقدر است. پس تفاوت این دو چه می‌شود؟ این عطف بر محذوف «لیسهل علیکم و لتکملوا العده».

شاگرد: اصطلاحاً می‌گویند عطف علی التوهم است. یعنی بر فرض اینکه یک چیزی به این صورت بوده.

استاد: ظاهراً اینجا از جاهایی است که توهم، به‌معنای متعارفش نیست. یعنی قول کانّه المذکور. اولی عطف جمله بر جمله بود. پس محذوف و مقدر ما قبل از «لتکملوا» است. یکی هم مقدر ما بعدش است. اگر مقدر ما بعدش باشد، عطف جمله بر جمله می‌شود. اگر مقدر ما قبلش باشد عطف علی التوهم و مفرد بر مفرد می‌شود.

این را برای این خواندم که مرحوم طبرسی اساسا طوری معنا می‌کنند –مختار خودشان است- که اصلا این آیه به مراد وحدی ربطی پیدا نمی‌کند. تا به این آیه برخورد کردی ایده‌ات باشد که مرحوم طبرسی این آیه را به قضا می‌زنند که اساساً از مطلوب وحدی و امثال او فاصله می‌گیرند. مجمع را آوردم تا مختار ایشان توضیح داده شود، که طبق این نظر حرف را از دست آنها گرفته می‌شود.

والحمد لله رب العالمین

---

[1] مجمع البيان في تفسير القرآن - ط مؤسسة الأعلمي للمطبوعات ویسنده : الشيخ الطبرسي جلد : ۲صفحه : ۱۳

بازبینی #1
ایجاد شده 22 آوریل 2026 15:29:06 توسط ... .
به روزرسانی شده 22 آوریل 2026 15:30:46 توسط ... .